

## نگاهی به سنت دستورنویسی در زبان فارسی

زهرا زندی مقدم (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

### ۱ مقدمه

مقاله حاضر برگرفته از طرح «بررسی تحلیلی دستورهای زبان فارسی»<sup>۱</sup> است. در این مختصر کوشش شده است تا دستورهای عمده‌ای که تا به امروز درباره زبان فارسی معاصر نوشته شده‌اند (به زبان انگلیسی و فارسی) بررسی شوند. اگرچه نسخه‌های خطی، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های بسیاری در زمینه مسائلی دستوری موجود است، در این بررسی تنها به توصیف و تحلیل کتاب‌های دستور زبان فارسی بسنده شده است. در این مقاله، مجموعاً، ۵۹ عنوان کتاب دستور (۱۳ عنوان به زبان انگلیسی و ۴۶ عنوان به زبان فارسی) بررسی شده‌اند و، در این بررسی، دستورها از دو بعدِ صوری (انگیزه، رسم‌الخط، نوع شواهد، کتاب‌شناسی) و محتوایی (نظم مطالب، بحث شاخص)، براساس تقدم و تأخر تاریخی نشر آنها، مدنظر قرار گرفته‌اند، و به پرسش‌های زیر پاسخ داده شده است: آیا نویسنده تمایزی میان بخش نحو و دیگر بخش‌ها قائل شده است؟ آیا مطالب براساس نظم و منطق خاصی ارائه شده‌اند؟ آیا بحث شاخصی در این دستورها وجود دارد؟ ویژگی‌های بارز هر اثر کدام است؟

نگارنده در نگارش این مقاله قصد داشته است به هدف‌های زیر جامه عمل بپوشاند:  
۱. به دست دادن تصویری از سنت دستورنویسی برای زبان فارسی؛ ۲. یافتن نقاط قوت

(۱) بخشی از این طرح با همکاری دکتر سهیلا کاوسی‌نژاد انجام شده است.

و ضعف دستورهای سنتی زبان فارسی؛ ۳. طرح موضوعها و مقوله‌هایی که در دستورها مورد توجه قرار نگرفته‌اند یا به آنها عنایت کافی نشده است و، از این رو، شایسته است که در پژوهش‌های آتی به آنها توجه شود.

در بند ۲ مقاله، ابتدا، دستورهای زبان فارسی که به زبان انگلیسی نگاشته شده‌اند و، سپس، دستورهایی که به زبان فارسی نوشته شده‌اند بررسی می‌شوند. در بند ۳، جمع‌بندی و مقایسه مطالب عرضه می‌شود.

## ۲ دستورهای زبان فارسی

### ۱-۲ دستورهای زبان فارسی به زبان انگلیسی

دستورهای زبان فارسی که به زبان انگلیسی نگاشته شده‌اند و در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، براساس تقدم و تأخر تاریخی نشر آنها، به شرح زیرند:

ویلیام جونز ۱۷۷۱ [۱۸۲۸]

لامسدن ۱۸۱۰

فوربس ۱۸۲۸ [۱۸۷۶]

پلاتس و رنکینگ ۱۹۱۱

فیلات ۱۹۱۹

لمیتون ۱۹۵۳

تیسدال ۱۹۵۶ [۱۹۶۷]

روبینچیک ۱۹۶۰ [۱۹۷۱]

جزایری و پیپر ۱۹۶۱

بوایل ۱۹۶۶

تکستون ۱۹۷۸

ویندفور ۱۹۷۹

شهرزاد ماهوتیان (سید مهدی سمائی، مترجم) ۱۹۹۷

اکنون ویژگی‌های صوری و محتوایی این دستورها معرفی می‌شود.

## ۱-۲ ویژگی‌های صوری

(الف) انگیزه. برخی دستورنویسان نظیر ویلیام جونز (W. Jones 1828)، فوربس (Forbes 1876)، پلاتس و رنکینگ (Platts and Ranking 1911)، فیلات (Phillott 1919)، لمبتون (Lambton 1953)، جزایری و پیپر (Jazayeri and Paper 1961) دستورها را برای هدف‌های آموزشی و، مشخصاً، آموزش زبان فارسی به مخاطبانی خاص (مانند انگلیسی‌زبانان، دانشجویان زبان فارسی در هندوستان، یا به‌طور کلی دانشجویان و معلمانی که به آموزش زبان فارسی اشتغال دارند و زبان فارسی زبان دوم آنهاست) نگاشته‌اند. برخی دیگر مانند لامسدن (Lumsden 1810)، روبینچیک (Rubinchik 1960)، بویل (Boyle 1966)، تکستون (Thackston 1978)، ویندفور (Windfuhr 1979)، ماهوتیان (Mahootian 1997) هدفشان از تدوین دستورها صرفاً وصف‌کردن زبان فارسی بوده است.

(ب) رسم‌الخط. در دستوره‌های قدیمی‌تر (مانند آثار ویلیام جونز، لامسدن، فوربس، پلاتس و رنکینگ) شواهد به خط فارسی همراه با حرکت‌گذاری (اعراب) بوده است که، به دنبال آن، آوانویسی و ترجمه شواهد به انگلیسی ذکر شده است. هرچه به عصر حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، شواهد به خط فارسی، بدون اعراب، همراه با آوانویسی یا صرفاً به صورت آوانویسی (Windfuhr 1979) عرضه شده است.

(ج) نوع شواهد. دستورنویسان پیشین تحت تأثیر زبان عربی بوده‌اند و حتی برخی از آثار، مانند پلاتس و رنکینگ (Platts and Ranking 1911) فصل چهارم، تکستون (Thackston 1978) ضمیمه (E)، لمبتون (Lambton 1953) درس نوزدهم، و فیلات (Phillott 1919) ضمیمه (A)، را به عرضه قواعد دستوری زبان عربی اختصاص داده‌اند. برخی دستورنویسان متقدم، نظیر لامسدن (Lumsden 1810)، شواهد را عمدتاً از متون ادبی قدیم انتخاب کرده‌اند، و در برخی مباحث (اتباع، ص ۱۴۹) مثال‌ها از زبان فارسی معاصر اقتباس شده است. حال آنکه در دستورهایی نظیر ویلیام جونز (Jones 1771) و فوربس (Forbes 1828)، شواهد همگی از متون ادبی قدیم زبان فارسی انتخاب شده است. پلاتس و رنکینگ (Platts and Ranking 1911) و فیلات (Phillott 1919) آمیخته‌ای از شواهد فارسی معاصر و متون ادبی قدیم به دست داده‌اند. از لمبتون (Lambton 1953) به بعد، یعنی روبینچیک (Rubinchik 1960)، جزایری و پیپر (Jazayeri and Paper 1961)، بویل (Boyle 1966)، تکستون (Thackston 1978)، ویندفور (Windfuhr 1979)، ماهوتیان (Mahootian 1997)، همگی شواهد را از زبان فارسی معاصر برگزیده‌اند.

(د) کتاب‌شناسی. اکثر دستورها، جز یکی دواثر (بویل)، فاقد کتاب‌شناسی هستند. از آنجا که این کتاب‌ها برای هدف‌های آموزشی تهیه شده‌اند، در انتهای بیشتر آنها فهرستی از لغات فارسی با معادل انگلیسی آنها ارائه شده است. حتی برخی دستورنویسان (مانند لمبتون و تکستون)، در پایان هر درس یا در انتهای کتاب، تعدادی تمرین و متن برای ترجمه و فهم بهتر نوآموزان ارائه کرده‌اند. دستورنویسانی نظیر پلاتس و رنکینگ، فیلات، لمبتون، و تکستون مبحثی را به واحدهای پول، مقیاس‌ها و اندازه‌گیری اختصاص داده‌اند، حال آنکه در سایر دستورها به این مبحث پرداخته نشده است.

## ۲-۱-۲ ویژگی‌های محتوایی

(الف) نظم مطالب. کتاب‌های قدیمی‌تر، مانند دستورهایی که ویلیام جونز (Jones 1771:1-21)، فوربس (Forbes 1828:1-25)، پلاتس و رنکینگ (Platts and Ranking 1911: 2-17)، فیلات (Phillott 1919) و لمبتون (Lumbton 1953) نوشته‌اند، غالباً با مباحث مربوط به خط آغاز شده‌اند و، اگر از آوای زبان هم صحبت به میان آمده، با توجه به خط آنها بوده است. از لمبتون به بعد، یعنی در آثار روبینچیک (Rubinchik 1960)، جزایری و پیپر (Jazayeri and Paper 1961)، بویل (Boyle 1966) و تکستون (Thackston 1978)، تمایز میان خط و تلفظ دیده می‌شود؛ هرچند این تمایز چندان دقیق هم نبوده است، آن را مطرح کرده و ذیل عناوین متفاوت درباره آنها بحث کرده‌اند.

دستورنویسان، در ارائه مطالب، غالباً از نظم و منطق خاصی پیروی کرده‌اند، بدین معنی که از خط و صداهای زبان شروع کرده و، در انتها، به مباحث مربوط به جمله پرداخته‌اند. در این طبقه‌بندی، خلط مباحث دستوری دیده می‌شود که در زیر به چند مورد، به عنوان نمونه، اشاره شده است. پیش از ورود به بحث، شایان ذکر است که ویندفور (Windfuhr 1979:27)، برخلاف این گروه از دستورنویسان، از نحو آغاز کرده، سپس به آواشناسی، واج‌شناسی و واژگان پرداخته است. ماهوتیان (Mahootian 1997:15) نخستین مبحث دستوری را به نحو زبان فارسی اختصاص داده، سپس به مباحث صرف، واج‌شناسی، اندیش‌آوا، صوت و واژگان پرداخته است. کتاب دستور لامسدن به مباحث نحوی اختصاص دارد، اما از برخی مباحث صرفی، نظیر اسمای عدد، اسم‌الجمع و اتباع، در خلال مباحث نحوی، صحبت به میان آمده است. در کتاب فوربس (Forbes 1828: 26-52)،

جملات مجهول و حالت‌های مختلف اسم، که در سطح جمله مطرح‌اند، در بخش پنجم کتاب (نحو) مطرح نشده‌اند و به ترتیب در بخش‌های دوم و سوم آورده شده‌اند. همچنین، دربارهٔ ساختمان اسم، صفات و ضمائر در بخش پنجم (نحو) (Ibid, 71-98) صحبت شده است و نیز واژه‌های عربی که به فارسی یا هندوستانی وارد شده‌اند، و قاعدتاً باید ذیل مباحث صرفی بررسی شوند، در بخشی جداگانه (بخش ششم) (Ibid, 99-102) مطرح شده‌اند.

حتی در کتاب‌های نسبتاً متأخر، نظیر دستور تکستون (Thackston 1978: 179)، مباحثی نظیر افعال مجهول، خود به عنوان ضمیر تأکیدی، مگر، از بس که، هرچه... تر... تر، که هیچ ارتباطی با هم ندارند، در درس هفدهم ارائه شده‌اند. در کتاب دستور ویندفور (Windfuhr 1979: 27-126)، برخی مطالب صرفی، نظیر -ها (علامت جمع)، اسم‌های مرکب، اسم‌های مشتق، تصریف فعل و ساخت افعال مرکب در فصل دوم (نحو) آمده است. همچنین، دستورنویسانی نظیر لمبتون و تکستون میان صرف و نحو تمایز قائل نشده‌اند و، از این رو، مباحث نحوی به طور پراکنده در کتاب معرفی و توصیف شده است.

در برخی از این دستورها، مانند دستور ویلیام جونز (Jones 1771: 192, Appendix 2)، فوربس (Forbes 1828: 126) و پلاتس و رنکینگ (Platts and Ranking 1911:186)، یک بخش به مباحث مربوط به عروض اختصاص یافته است و، در آن، به موضوع‌هایی چون وزن شعر در زبان فارسی، قافیه و انواع شعر (قصیده، غزل، مثنوی، رباعی و نظایر آن) پرداخته شده است که جزء مباحث دستوری به حساب نمی‌آیند.

(ب) بحث شاخص. ویلیام جونز (Jones 1771:109-112) به ضمائر موصولی بیش از مقولات دیگر توجه کرده است و، در بخش نحو، در بررسی جملات، فقط به جمله‌های ساده پرداخته است. لامسدن (Lumsden 1810) جمله‌ها را، به لحاظ معنایی، طبقه‌بندی کرده است (معترضه، مقطوعه، حالیه، معطوفه و جزآن). پلاتس و رنکینگ (Platts and Ranking 1911:19-124)، در بخش دوم کتاب که به مباحث نحوی اختصاص دارد، به انواع جمله، به ویژه جمله‌های مرکب و نیز حالات اسم، توجه بیشتری معطوف داشته و جمله‌های مرکب را به صورت بندهای زمانی، بندهای نتیجه‌ای، بندهای شرطی، بندهای مقایسه‌ای، بندهای وصفی، بندهای اسمی و امثال آن طبقه‌بندی کرده‌اند. در این کتاب مقوله‌های بیشتری، به نسبت دستوره‌های قبلی، به تفصیل بررسی شده است. فیلات (Phillott 1919) به حالات اسم بیشتر توجه کرده و آنها را

با ذکر مثال آورده است و، در بخش نحو، به مباحثی چون کاربرد حذف کسره اضافه، حالات اسم، شمار اسم، اسامی چندگانه و تطابق آنها پرداخته است. بسیاری از تفاوت‌های موجود میان زبان دری و زبان فارسی قلمرو ایران، نه تنها به لحاظ تلفظ و املا بلکه از نظر ساخت، در این کتاب بررسی شده است. همچنین، بخش نسبتاً زیادی از کتاب به قواعد زبان عربی اختصاص یافته است. لمبتون (Lambion 1953:166-175)، در درس چهاردهم، به مطالبی چون مکالمه مؤدبانه و برخی تفاوت‌های میان واژه‌های گفتاری و نوشتاری توجه کرده است. در بخش دوم، با عنوان «عناصر عربی»، ساخت صورت‌های اشتقاقی عربی که در فارسی به کار می‌روند توضیح داده شده است. جزایری و پیپر (Jazayeri and Paper 1961:315-344)، در بخش ششم کتاب که به مباحث نحوی اختصاص یافته است، انواع جمله (جمله‌های ساده، مرکب، ترکیبی) و ساخت آنها را بررسی کرده‌اند و، در پی آن، درباره واحدهای سازنده جمله (فعل، فاعل، مفعول...) و گروه حرف اضافه‌ای توضیح داده‌اند. این کتاب دستوری توصیفی است و در آن سعی شده است تا زبان فارسی با توجه به نظام خودش، نه از دیدگاه نظام‌های دیگر، توصیف شود و، از این رو، این تحلیل از سایر تحلیل‌ها متمایز است. در این تحلیل، نظریه خاصی مدنظر نبوده، بلکه از رویکردهای متفاوت زبان‌شناسان استفاده شده است. در فصل سوم کتاب (Ibid, 84-137)، نظام نوشتاری (الفبا، نگارش آنها «املا») ارائه شده، توضیحاتی درخصوص اصول نقطه‌گذاری آمده و از نشانه‌هایی که در زبان فارسی به کار می‌رود، نظیر نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب، دو نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول و نظایر آن، فهرستی به دست داده شده است. بویل (Boyle 1966:57-58)، در کتاب خود، به تفاوت‌های سبکی مؤدبانه و معمول در خصوص مطابقت فعل با فاعل، از نظر شخص و شماره اشاره کرده است. تیسدال (Tisdall 1967)، در درس ۲۹، به مباحث کاربردشناسی توجه داشته است. در این کتاب، برخی شیوه‌های مؤدبانه در گفت‌وگو مطرح شده (Ibid, 205)، به تفاوت‌های زبان میان افراد تحصیل‌کرده و غیرتحصیل‌کرده (درس ۹) و نیز به تفاوت‌های میان زبان نوشتاری و گفتاری، در پاره‌ای موارد، توجه شده است. در دستور روبینچیک (Rubinchik 1971:66-67)، به واژگانی شدن کلمات مرکب و تفکیک حروف اضافه به دو گروه پیشین و پسین پرداخته شده است. ویندفور (Windfuhr 1979:47-62, 165-171) به بحث مبتداسازی، بررسی و تحلیل راه، طرح و تحلیل برخی ویژگی‌های زبان عامیانه، نظیر کاربرد e- به عنوان عنصری معرفه‌ساز، بررسی سیر تحول

و تاریخ دستورنویسی پرداخته است. تکستون (Thackston 1978)، در بخش نخست کتاب (Ibid, 47-198)، به دستور زبان معاصر پرداخته است؛ بخش دوم (Ibid, 199-210) به دستور زبان متون قدیمی اختصاص دارد و بخش سوم به دستور زبان عامیانه. ماهوتیان (MAHOOTIAN 1997) دستور زبان فارسی را از دیدگاه رده‌شناسی زبان، که یکی از گرایش‌های عمده زبان‌شناسی امروز است، بررسی کرده است. این دستور شامل سه بخش نحو، صرف، و واج‌شناسی است و، در مباحث آن، ویژگی‌های دستوری زبان فارسی با دیگر زبان‌ها مقایسه شده است. این کتاب دستوری توصیفی است و زبان محاوره‌ای فارسی تهرانی افراد تحصیل‌کرده را، در چارچوب بررسی همزمانی، انتخاب و آن را توصیف کرده است.

از بررسی کتاب‌های یادشده شاید بتوان گفت که دستورنویسان متقدم مقوله‌های بیشتری را در حوزه نحو بررسی کرده‌اند، ولی هرچه به زمان حال نزدیک‌تر شده‌ایم، این حوزه محدودتر شده و توجه به جمله و انواع آن بیشتر معطوف گردیده است. دستورنویسان متقدم تنها به بررسی جمله‌های ساده اکتفا می‌کردند، حال آنکه دستورنویسان متأخر، علاوه بر جمله‌های ساده، به جمله‌های مرکب هم پرداخته‌اند.

## ۲-۲ دستورهای زبان فارسی به زبان فارسی

در بند ۲ مقاله، دستورهایی بررسی شده است که به فارسی نوشته شده‌اند. این دستورها، به ترتیب تاریخ انتشار، به شرح زیرند:

عبدالعظیم قریب و همکاران ۱۳۲۷؛ ج ۲: ۱۳۷۰

محمد معین ۱۳۳۲؛ ج ۲: ۱۳۴۱

سید محمدرضا دایی جواد ۱۳۳۴

عبدالرحیم همایونفرخ ۱۳۳۷

محمد معین ۱۳۴۰

سید محسن خلیق رضوی ۱۳۴۱

محمد جواد مشکور ۱۳۴۲

ر. ذوالنور ۱۳۴۳؛ ج ۲: ۱۳۴۸

تقی وحیدیان کامیار ۱۳۴۳

- طلعت بصّاری ۱۳۴۵  
لطفعلی بنان و همکاران ۱۳۴۵  
مصطفی خرم‌دل ۱۳۴۶  
ایرج دهقان ۱۳۴۶  
محمد پژوه ۱۳۴۶  
عبدالرسول خیامپور ۱۳۴۷  
محمد دبیرسیاقی ۱۳۴۷  
خسرو فرشیدورد ۱۳۴۸  
جعفر شعار و اسماعیل حاکمی ۱۳۴۸  
محمد رضا باطنی ۱۳۴۸؛ چ ۲: ۱۳۷۳  
سید کمال طالقانی ۱۳۴۶؛ چ ۲: ۱۳۴۹  
عبدالله آریان‌فر ۱۳۴۹  
محمد جواد شریعت ۱۳۴۹  
سید ضیاء‌الدین سجادی ۱۳۴۹  
حسین محقّق ۱۳۵۱  
ر. ذوالنور ۱۳۵۲  
جعفر شعار ۱۳۵۵  
علی اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ (۲) و (۳) ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷  
نادر وزین‌پور ۱۳۵۶  
علی اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ (۴) ۱۳۵۹  
امیدعلی جعفری ۱۳۶۲  
صادق امین مدنی ۱۳۶۳  
احمد شفایی ۱۳۶۳  
حسن احمدی گیوی و حسن انوری (۱) ۱۳۶۳؛ چ ۲: ۱۳۷۱  
علی شهبازی ۱۳۶۳  
حسن احمدی گیوی و حسن انوری (۲) ۱۳۶۷

پرویز ناتل خانلری ۱۳۵۱؛ چ ۲: ۱۳۶۹  
محمد روایی ۱۳۷۰  
بهمن محتشمی ۱۳۷۰  
نادر وزین‌پور ۱۳۷۰  
مهدی معینیان ۱۳۷۰  
پرویز صالحی (بختیار) ۱۳۷۱  
غلامرضا ارژنگ ۱۳۷۴  
خسرو غلامعلی‌زاده ۱۳۷۴؛ چ ۲: ۱۳۷۷  
خسرو فرشیدورد ۱۳۷۵  
احمد ابومحبوب ۱۳۷۵

## ۱-۲-۲ ویژگی‌های صوری

(الف) انگیزه. هدف از نگارش دستورها توصیف زبان فارسی یا فقط کاربرد آموزشی آن (برای اهل زبان یا خارجیان) یا هر دو جنبه (توصیفی و آموزشی) بوده است. دستورهای زیر تنها به جنبه آموزشی پرداخته‌اند: لطفعلی بنان و همکاران (۱۳۴۵)، مصطفی خرم‌دل (۱۳۴۶)، ضیاء‌الدین سجادی (۱۳۴۹)، عبدالله آریان‌فر (۱۳۴۹)، ر. ذوالنور (۱۳۵۲)، علی اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ (۱۳۵۶، ۱۳۵۹)، صادق امین‌مدنی (۱۳۶۳)، حسن احمدی گیوی و حسن انوری (۱۳۶۳)، پرویز ناتل خانلری (۱۳۶۹)، محمد روایی (۱۳۷۰)، نادر وزین‌پور (۱۳۷۰)، غلامرضا ارژنگ (۱۳۷۴)، احمد ابومحبوب (۱۳۷۵). برخی از دستورها برای هدف توصیفی - آموزشی به رشته تحریر درآمده‌اند: قریب و همکاران (۱۳۲۷) دستور را ابتدا برای هدف آموزشی تدوین کردند، ولی بعدها، به‌عنوان مرجعی معتبر، مورد استفاده و مطالعه دانش‌پژوهان قرار گرفت؛ محمد رضا دایی‌جوادی (۱۳۴۴)؛ عبدالعظیم همایون‌فرخ (۱۳۳۷)، که هدفش تحقیق در زبان فارسی امروزی بود تا شالوده‌ای برای دستورهایی فراهم آورد که برای دبستان‌ها و دبیرستان‌ها نوشته می‌شد؛ امیرعلی جعفری (۱۳۶۲)، حسن احمدی گیوی و حسن انوری (۲) (۱۳۶۷). برخی دستورنویسان، مانند محمد معین (۱۳۳۲، ۱۳۴۰)، ر. ذوالنور (۱۳۴۳)، تقی وحیدیان کامیار (۱۳۴۳)، طلعت بصری (۱۳۴۵)، محمد پژوه (۱۳۴۶)، عبدالرسول خیامپور

(۱۳۴۷)، خسرو فرشیدورد (۱۳۴۸)، محمدرضا باطنی (۱۳۴۸)، جعفر شعار و اسماعیل حاکمی (۱۳۴۸)، محمدجواد شریعت (۱۳۴۹)، احمد شفایی (۱۳۶۳) و بهمن محتشمی (۱۳۷۰)، هدفشان از تدوین دستورها صرفاً توصیف زبان فارسی بوده است. در برخی از این دستورها، نظیر دستور وحیدیان کامیار (۱۳۴۳)، توجه عمده به زبان عامیانه و استخراج قواعد آن بوده است.

(ب) رسم الخط. متن کتاب‌ها به فارسی است. در اکثر دستورهای فارسی، شواهد به خط فارسی است، بدون اینکه از نشانه‌های سجاوندی یا علائم واج‌نویسی استفاده شده باشد. اما در دستور وحیدیان کامیار، تلفظ شاهدها، در پاره‌ای موارد، واج‌نویسی شده و تلفظ عامیانه کلمات، در بسیاری موارد، با حروف فارسی به نمایش درآمده است (ص ۵۹-۶۰). در این دستور، در ضبط شواهد گونه گفتاری گاه خط‌هایی دیده می‌شود. به‌عنوان نمونه، صورت صحیح‌تر مثال من جوونتر از شمایم (ص ۵۲) می‌شود: من جوونتر از شمام. در پاره‌ای دستورها، به دلیل نارسا بودن خط فارسی، مثال‌ها واج‌نویسی شده‌اند (باطنی ۱۳۴۸)، اما به‌طور کلی سنت استفاده از واج‌نویسی هنوز چندان رایج نیست.

(ج) نوع شواهد. برخی دستورنویسان، نظیر عبدالرحیم همایونفرخ (۱۳۳۷) و عبدالرسول خیامپور (۱۳۴۷)، بیشتر شواهد را از متون منظوم و منثور قدیم اقتباس کرده‌اند. بعضی دستورنویسان، مانند قریب و همکاران (۱۳۲۷)، محمد معین (۱۳۳۲)، مصطفی خرم‌دل (۱۳۴۶)، آمیخته‌ای از متون منظوم قدیم و زبان فارسی نوشتاری را ارائه کرده‌اند. وحیدیان کامیار (۱۳۴۳) غالباً شواهد خود را از زبان فارسی عامیانه (گفتاری) برگزیده است. خسرو فرشیدورد (۱۳۴۸)، احمد شفایی (۱۳۶۳)، صادق امین مدنی (۱۳۶۳)، پرویز ناتل خانلری (۱۳۶۹)، بهمن محتشمی (۱۳۷۰) و محمد روایی (۱۳۷۰) شواهد را عمدتاً از زبان فارسی امروزی انتخاب، اما گاه از متون ادبی هم استفاده کرده‌اند. علی‌اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ (۲) و (۳) و (۴) (۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۹)، حسن احمدی گیوی و حسن انوری (۱) و (۲) (۱۳۶۳، ۱۳۶۷)، غلامرضا ارژنگ (۱۳۷۴) و احمد ابو‌محبوب (۱۳۷۵) شواهد خود را از زبان فارسی نوشتاری امروزی اقتباس کرده‌اند. باطنی (۱۳۴۸) شواهد را از زبان فارسی امروزی برگرفته و از شم زبان خود هم بهره‌جسته است. مجموعاً، هرچه به زمان حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، دستورنویسان از متون نثر معاصر یا شم زبانی، به جای متون ادبی قدیم، بیشتر استفاده می‌کنند.

(د) کتاب‌شناسی. اکثر کتاب‌های بررسی شده کتاب‌شناسی دارند. دستورهای فاقد کتاب‌شناسی عبارت‌اند از: محمد معین (۱۳۴۰)، سید ضیاء‌الدین سجادی (۱۳۴۹)، ر. ذوالنور (۱۳۵۲)، احمد شفاویی (۱۳۶۳)، حسن احمدی گیوی و حسن انوری (۱۳۶۳)، پرویز ناتل خانلری (۱۳۶۹).

بعضی، بی‌آنکه بخشی با عنوان «کتاب‌شناسی» یا «فهرست مأخذ» داشته باشند، در پایان کتاب، بخشی را به نام «کارمایه» مطرح کرده‌اند و در آنجا، ضمن تشکر، نام چند تن از نویسندگانی را آورده‌اند که از آثار آنها در نگارش اثر بهره‌جسته‌اند (آریان‌فر ۱۳۴۹). همچنین، گاه نویسنده، در مقدمه اثر خود، اسامی آثاری را ذکر کرده که در نگارش دستور خود از آنها بهره‌جسته است (معینان ۱۳۷۰). بعضی دستورنویسان (محمد پژوه ۱۳۴۶، ص ۱۷۳-۱۸۰) کتاب‌شناسی را در چند بخش و زیر عناوین مختلف عرضه کرده‌اند. (ه) ساخت صوری اثر. برخی دستورنویسان، مانند محمد معین (۱۳۳۲)، ر. ذوالنور (۱۳۴۳)، ص ۳۳۱-۳۳۵)، عبدالرسول خیامپور (۱۳۴۷) و خسرو فرشیدورد (۱۳۴۸، ص ۳۱۲-۳۲۰)، فهرست مندرجات را، به سبک کتاب‌های فرانسوی، در پایان کتاب آورده‌اند. معین، در پایان هر مبحث، فهرست موضوعات و، پس از آن، جدول تصحیحات و اضافات را آورده است. علی‌اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ (۱۳۵۶، ۱۳۵۹) و صادق امین مدنی (۱۳۶۳)، در پایان هر بخش، تمرین‌هایی مرتبط با آن بخش ارائه کرده‌اند. حسن احمدی گیوی و حسن انوری نیز تمرین‌ها و پرسش‌های مناسبی را در آخر هر فصل و در پایان کتاب افزوده‌اند. پرویز صالحی (بختیار) (۱۳۷۱، ص ۱۲۸-۱۶۸)، در پایان کتاب، پرسش‌هایی را به صورت گزینه‌های چهارجوابی برای داوطلبان کنکور طرح کرده و، قبل از کتاب‌شناسی، پاسخ آزمون‌های چهارجوابی را داده است. سید کمال طالقانی (۱۳۴۶، ص ۲۸۴-۳۰۰؛ ۱۳۴۹)، قبل از فهرست مندرجات، بخشی با عنوان «تست» آورده است که، در این قسمت، ۱۲۰ سؤال از قسمت‌های مختلف مطرح شده و به هر سؤال سه پاسخ داده شده است. حسین محقق (۱۳۵۱)، در پایان بعضی درس‌ها، بخش‌هایی با عنوان «دیکته» و «انشا» ارائه کرده است. در بعضی دستورها (خلیق رضوی ۱۳۴۱)، که متنی آموزشی است، در پایان درس‌ها یا در پایان کتاب، هیچ تمرینی ارائه نشده است. علاوه بر این، در آخر بعضی از کتاب‌ها، جمله‌ها و عبارت‌هایی تجزیه و ترکیب شده‌اند (به‌عنوان نمونه، محمد دبیرسیاقی ۱۳۴۷، ص ۱۳۸-۱۵۹؛ حسن احمدی گیوی و حسن انوری ۱۳۶۳). همچنین،

برای آنکه مطالب بهتر در ذهن خواننده نقش بندد، جدول‌هایی حاوی خلاصه مطالب تهیه و نمودارهایی ترسیم شده‌اند (محمد دبیرسیاقی ۱۳۴۷). خسرو غلامعلی زاده، به منظور نمایاندن ساخت نحوی جمله‌ها، در تحلیل‌ها از نمودار درختی استفاده کرده است. احمد ابومحبوب (۱۳۷۵، ص ۵۱-۵۷) نیز، در بعضی از بخش‌ها، برای مثال فصل پنجم، مبحث واج‌نگاری، آواهای فارسی و نیز الگوی هجاهای فارسی را در جدول‌هایی نشان داده است. در این کتاب، جایگاه واحدهای نحوی جمله (فصل هفتم، ص ۸۳-۸۹، مبحث سازه‌شناسی و قواعد سازه‌ای زبان فارسی)، اجزای جمله و همچنین مشخصه‌های معنایی یک واژه (فصل دهم، ص ۱۲۳-۱۴۰، مبحث نظریه‌های پس از گشتاری) با نمودارهای درختی نشان داده شده‌اند. محمد پژوه (۱۳۴۶، ص ۵-۲۰)، قبل از پرداختن به مباحث اصلی کتاب، مطالب را در بخشی با عنوان «راهنمای کتاب» به کمک نمودار نشان داده است. در سازمان‌بندی عناوین و موضوعات کتاب، در دستوره‌های متأخرتر، مجموعاً از شیوه‌های جدید پیروی شده است (محتشمی ۱۳۷۰) و، در پایان کتاب، فهرست الفبایی راهنما (نمایه) نیز افزوده شده است. بعضی از دستورنویسان (خسرو غلامعلی زاده ۱۳۷۷، ص ۳۲۱-۳۲۹) اصطلاحات نامأنوس را همراه با برابره‌های انگلیسی آنها در «واژه‌نامه» پایان کتاب آورده‌اند.

## ۲-۲-۲ ویژگی‌های محتوایی

(الف) نظم مطالب. همایونفرخ (۱۳۳۷)، خلیق رضوی (۱۳۴۱)، فرشیدورد (۱۳۴۸)، شفاپی (۱۳۶۳)، امین مدنی (۱۳۶۳)، و ناتل خانلری (۱۳۶۹) میان دو بخش صرف و نحو تمایز قائل شده‌اند. در بعضی دستورها، توجه عمده به مباحث صرفی بوده است (دایی‌جوادی ۱۳۳۴، همایونفرخ ۱۳۳۷، خلیق رضوی ۱۳۴۱، مشکور ۱۳۴۲، دهقان ۱۳۴۶). فرشیدورد دستور زبان را متشکل از سه بخش عمده دانسته است: واج‌شناسی، صرف، نحو. در بخش صرف (ص ۹-۱۴)، به مباحثی نظیر کلمه، سازه، پاره‌واژه (affixe)، سازه و هجا، کلمات بسیط و مشتق و مرکب، اقسام کلمه، تغییر طبقه و وظیفه دستوری کلمات مشترک و مختص پرداخته و، در بخش نحو (ص ۱۵-۲۴)، مباحثی چون جمله، جمله‌واره، جمله‌واره پیرو، اجزای جمله، جمله بسیط و گسترده، وابستگی و همسانی، وابسته وابسته، هسته و وابسته، همسانی: ۱. همپایگی، ۲. بدل، ۳. تأکید؛ حذف، گروه: گروه بزرگ، گروه گسسته و پیوسته، مطرح شده است. احمد شفاپی

(۱۳۶۳) بخش اول کتاب را به صرف (ص ۷-۱۳۳) و بخش دوم و سوم را به نحو (ص ۱۳۵-۶۲۱) اختصاص داده است. در بخش دوم، از کلیات علم نحو، موضوع علم نحو، نحو ترکیب‌ها و، بالاخره، نحو جمله‌های ساده فارسی صحبت شده است و بخش سوم به بررسی نحو جمله‌های مرکب فارسی اختصاص دارد (ص ۲۴۷-۶۲۱). امین مدنی (۱۳۶۳) در قسمت اول به مبحث صرف و در قسمت دوم به نحو پرداخته است. ناتل خانلری (۱۳۶۹)، در بخش سوم کتاب خود (ص ۲۳۳-۲۶۵)، مباحث نحوی را مطرح کرده است. در برخی دستورها تأکید عمده بر مباحث نحوی بوده است، از این جمله‌اند: دایی جواد (۱۳۳۴)، خزّم دل (۱۳۴۶)، باطنی (۱۳۴۸)، شریعت (۱۳۴۹)، صادقی و ارژنگ (۱۳۵۶ و ۱۳۵۹)، جعفری (۱۳۶۲). در عین حال، دایی جواد از جمله و اقسام آن صحبتی به میان نیاورده است. در شماری از دستورها نیز اساس طبقه‌بندی تمایز مقوله‌های صرفی و نحوی نبوده، بلکه طبقه‌بندی بر پایه اجزای کلام (انواع کلمه) صورت گرفته است و همه مباحث نحوی و صرفی مربوط به هر جزء کلام ذیل آن یکجا آمده است: بضاری (۱۳۴۵)، احمدی گیوی و انوری (۲) (۱۳۶۷)، وزین پور (۱۳۷۰، ص ۴۴۳-۵۱۹). برخی دستورنویسان به مباحث صرفی، نحوی، معنایی و آوایی در کتاب خود اشاره کرده‌اند (محتشمی ۱۳۷۰، ابومحبوب ۱۳۷۵). برخی کتاب‌های دستور بر مبنای نظریه‌های مطرح زبان‌شناسی نگاشته شده‌اند: باطنی (۱۳۴۸)، صادقی و ارژنگ (۱۳۵۶ و ۱۳۵۹)، امین مدنی (۱۳۶۳)، غلامعلی زاده (۱۳۷۴). در شماری از دستورها، نظیر دستور وحیدیان کامیار (۱۳۴۳)، خیامپور (۱۳۴۷)، احمدی گیوی و انوری (۱۳۶۳)، میان مباحث صرفی و نحوی تمایزی گذاشته نشده است و آمیزه‌ای از مباحث صرفی و نحوی، واجی و دستور خط در صفحات مختلف دیده می‌شود. به عنوان مثال، در دستور وحیدیان کامیار (۱۳۴۳)، در بخش سوم، که درباره جمله است، از تکیه کلمه و نشانه‌گذاری در خط (نقطه‌گذاری) صحبت شده و مباحث گوناگون نحوی، واجی و دستور خط در یک بخش گردهم آمده‌اند. یا در دستور محتشمی (۱۳۷۰)، روابط معنایی کلمات، نظیر مترادف، متضاد، متشابه، در بخش صرف (فصل اول از کتاب صرف) مطرح شده‌اند. جعفر شعار و اسماعیل حاکمی (۱۳۴۸) مباحث صرفی، چون اسم‌های مفرد و جمع، کاف یا گاف در بعضی جمع‌ها، جمع‌های عربی، جمع بستن، ساختمان پیوند، را در کنار مباحث معنایی، مانند اسم‌های عام و خاص، ذات و معنی، اسم جمع، انواع صفت از حیث معنی (توصیفی، عددی، اشاره، پرشی،

مبهم) و مباحث نحوی، نظیر اسم در جمله (حالات اسم)، مطابقت فعل با فاعل، صفت، مطابقت صفت و موصوف، صفت در جمله، حذف، پیوند و گروه‌های پیوندی مختلف، که هم به مبحث نحو و هم به مبحث معنا مرتبط می‌شوند، مطرح کرده‌اند. محمدجواد شریعت (۱۳۴۹) نیز، در ضمن مطالب نحوی، چون جمله و انواع آن، ضمائر اشاره، ادوات استفهام، صفت فاعلی، مفعول، مطابقت مسندالیه و اسناد، به مباحث صرفی، مانند اسم‌های جمع و مفرد و علامت‌های جمع، صفت فاعلی با پسوندهای -کار و -ار، -گر، ساختمان فاعل، و مباحث معنایی، نظیر اسم عام و خاص، اسم ذات و معنی، معرفه و نکره، اسم‌های مبهم، مصدر از نظر معنی، قید از نظر معنی و نظایر آن، پرداخته است. به‌طور کلی، تأکید بیشتر دستورها بر نحو زبان فارسی بوده است، اما در عین حال، خلط مباحث صرفی و نحوی و معنایی نیز در آنها دیده می‌شود.

توجه نکردن به گونه‌ی زبانی مورد بررسی گاه موجب بروز اشکالاتی می‌شود. مثلاً، در دستور وحیدیان کامیار، که دربردارنده‌ی قواعد زبانی عامیانه است، یعنی زبانی که فارسی‌زبانان امروز به آن حرف می‌زنند (ص ۲)، حروف، که در نوشتار مطرح‌اند، ذیل عنوان «حروف در زبان عامیانه» مطرح شده است.

برخی دستورنویسان در انتخاب عنوان صحیح برای مباحث دستوری دقت لازم را مبذول نداشته‌اند. به‌عنوان مثال، لطفعلی بنان و همکاران (۱۳۴۵، ص ۳۹) در کتاب خود از «حالات صفت» صحبت کرده‌اند، حال آنکه بهتر است این موارد «نقش‌های صفت» نامیده شود.

دستورهای سنتی از اجزای جمله و تعریف یکایک انواع کلمه آغاز می‌کردند و به واحد گفتار، یعنی جمله، می‌رسیدند. دستورنویسانی نظیر خسرو فرشیدورد (۱۳۴۸)، احمد شفایی (۱۳۶۳)، صادق امین‌مدنی (۱۳۶۳) و حسن احمدی گیوی و حسن انوری (۱۳۶۳)، به پیروی از این سنت دیرینه دستورنویسی، ابتدا از صرف و سپس از نحو صحبت کرده‌اند. حال آنکه پرویز ناتل خانلری (۱۳۶۹) کوچک‌ترین واحد گفتار را، که منظور گوینده یا رساندن پیام به شنونده است و معمولاً جمله خوانده می‌شود، مبنای بحث قرار داده است و، سپس، این واحد گفتار را به دو قسمت اصلی تقسیم کرده که هر کدام شامل اجزای کوچک‌تری است. ناتل خانلری، در ادامه، اجزای هر قسمت و مباحثی دقیق‌تر، مانند رابطه فاعل‌ها (یا جمله‌های ناقص)، را مطرح کرده است (همان،

ص ۱۳۶-۱۳۸). غلامرضا ارژنگ (۱۳۷۴) بررسی هر کلمه را با تعیین نقش آن در جمله آغاز و، سپس، نوع هر کلمه را، بنا به موقعیت یا نقشی که در جمله نسبت به فعل دارد، تعیین کرده است:

مرد دانشمند آمد. کتاب دانشمند روی میز است.

↑  
صفت

↑  
اسم

حال آنکه در دستورهای سنتی ابتدا نوع کلمه و، سپس، نقش آن مشخص می‌شد. مثلاً، در جمله‌ای مانند دانشمند آمد، ابتدا دانشمند صفت به شمار می‌آمد و، سپس، در ترکیب جمله گفته می‌شد که، چون دانشمند جانشین اسم شده، در حکم اسم است. خیامپور (۱۳۴۷) از اسم شروع کرده و مطلب را با حرف به پایان برده است. معین (۱۳۴۰)، در کتاب خود، مباحث اصلی دستور زبان فارسی را بررسی کرده است. او، در این کتاب، علاوه بر مباحث دستوری، به نکات مربوط به املاهای فارسی نیز پرداخته است. محمدجواد مشکور (۱۳۴۲، ص ۲۳۸-۲۳۹)، در کتاب خود، پس از مقدمه و پیشگفتار، مقدمه‌ای در خصوص حروف هجا و نیز قواعد املا ارائه کرده است. همچنین در این کتاب، در قسمت دوم، در خصوص حروف مفرد و مرکب، به ترتیب حروف الفبا، اشاره شده است. قسمت پنجم کتاب به کلمات مرکب اختصاص یافته است؛ در این قسمت به ۴۸ نوع کلمه مرکب اشاره شده و مثال‌هایی هم برای هر یک از آنها ارائه شده است. مصطفی خرّم‌دل (۱۳۴۶)، پس از توضیح درباره علم صرف و نحو و فواید آنها، به مبحث تجزیه و ترکیب و روش‌های انجام دادن هر یک از آنها اشاره کرده است. به‌رغم اینکه این اثر به مباحث نحوی اختصاص یافته، از مبحث جمله و انواع آن اثری دیده نمی‌شود، بلکه به عناصر تشکیل‌دهنده جمله پرداخته شده است.

(ب) بحث شاخص. وحیدیان کامیار (۱۳۴۳) به زبان عامیانه پرداخته و بخش‌هایی از آن را توصیف کرده است: تبدیل حروف در زبان عامیانه (ص ۱۲)، تخفیف حروف در زبان عامیانه (ص ۱۳)، اتباع (ص ۲۸)، تصغیر (ص ۳۰)، ضمائر (ص ۳۴-۴۰)، ماضی در جریان (ص ۵۸-۵۹)؛ مانند این تصریف‌ها:

داشتم می‌رفتم      داشتیم می‌رفتیم

داشتی می‌رفتی      داشتین می‌رفتین

داشتش می‌رفت      داشتن می‌رفتن

همچنین، ماضی در جریان نقلی (همان، ص ۶۳-۶۴) نیز مطرح شده است که تنها صورت سوم شخص مفرد آن به کار می‌رود، و سایر صورت‌ها را، که در زبان فارسی کاربردی ندارد، مؤلف به قیاس ساخته است:

داشته می‌رفته‌ام	داشته‌یم می‌رفته‌یم
داشته می‌رفته‌ی	داشته‌ین می‌رفته‌ین
داشته می‌رفته	داشته‌ن می‌رفته‌ن

وحیدیان کامیار در خصوص ترتیب قرارگرفتن اقسام کلمه در جمله: ۱. جای اسم در جمله، ۲. جای ضمیر در جمله، ۳. جای صفت، ۴. جای فعل در جمله، ۵. جای قید در جمله، ۶. جای حرف اضافه، ۷. جای حرف ربط، ۸. جای اصوات، ۹. جای وندها (همان، ص ۹۵)، مطالبی بیان داشته است. بخش نهم (همان، ص ۹۱)، یعنی وندها (از عناصر سازنده کلمه)، مبحثی صرفی است و طرح آن در این بخش اشتباه است. او، در باب تقدیم و تأخیر اجزای جمله و اقسام کلمه، صورت طبیعی (بی نشان) مجموعه جمله‌های ذیل را جمله پروین کتاب خرید دانسته و معتقد است که دیگر صورت‌ها از آن مشتق شده‌اند:

- (۱) پروین خرید کتاب.
- (۲) کتاب، خرید پروین.
- (۳) کتاب، پروین خرید.
- (۴) خرید، پروین کتاب.
- (۵) خرید، کتاب پروین.

در این مثال‌ها، جمله‌های (۱) و (۴) و (۵) به نظر کمتر قابل قبول‌اند تا جمله‌های (۲) و (۳)؛ اما، به هر حال، توجه به اقتضای کلام و تأثیر آن در ساخت جمله‌ها از ویژگی‌های خاص این کتاب است. محمد پژوه (۱۳۴۶) نحو زبان فارسی، یعنی عوامل تشکیل دهنده جمله و اقسام آن، را بررسی کرده است و، همان‌گونه که خود نویسنده در بخش «نکته‌ای چند درباره این کتاب» اظهار داشته (همان، ص ۱۵۱)، نحو فارسی را، بدون اختلاط با نحو عربی یا تقلید از کار دیگران، به صورت مستقل و مجزا از صرف و بر وفق قواعد و خصوصیات آریایی زبان فارسی تدوین و تنظیم کرده است. منبع الهام و مأخذ کار او گلستان سعدی بوده است. در این اثر، در تعریف اجزای جمله از اصطلاحاتی مانند برافزوده (معترضه)، سخن پایه (تکیه کلام)، خوانش (منادا)، بندواژه (واژه‌های ربط و وصل)، واژه‌های

توضیح، واژه احساساتی، واژه تأکید استفاده شده است که، در دستورهای قبلی، در تعریف اجزای جمله از این اصطلاحات استفاده نشده بود. دربارهٔ ارکان جمله (همان، ص ۲۹)، به جای استفاده از اصطلاح مبتدا و خبر، از اصطلاح آغازگر و بازگو استفاده شده است (ص ۱۲). تفاوت دیگر این کتاب با کتاب‌های قبلی این است که نویسنده تقسیم جمله به انواع کامل و ناقص و مکمل را نادرست دانسته و، در مقابل، تقسیمات دیگری را جانشین آنها کرده که در فهرست مندرجات آمده است (ص ۱۵). در این کتاب، یک بخش مفصل، همراه با نمودار، به مبحث «نشانه‌گذاری» اختصاص داده شده است (ص ۱۳۵-۱۷۰).

عبدالرسول خیامپور (۱۳۴۷)، در ابتدای کتاب، قبل از ورود به مبحث دستور زبان، دربارهٔ طبقه‌بندی زبان‌ها و تاریخ دستور زبان شرحی اجمالی آورده است. به نظر او، در دستور هر زبان باید روش آدلونگ (Adelung)، دستورنویس آلمانی، را پیش گرفت، یعنی به اصول و قواعدی که دیگران گفته و نوشته‌اند نباید پایبند بود و توجه خود را به خود زبان باید معطوف داشت، وگرنه ممکن است اشتباهاتی رخ بدهد. از این رو، نگارنده در این کتاب کوشیده است تا می‌تواند خود زبان را در نظر بگیرد تا در بیان قواعد دستوری دچار اشتباه نشود.

خسرو فرشیدورد (۱۳۴۸) تقریباً بیشتر مباحث دستوری را مطرح کرده است، با این تفاوت که از مفاد کتاب‌های دیگر به اجمال یاد کرده و حاصل کار خود را به تفصیل آورده است؛ مثلاً، به مبحث «اضافه»، از محمد معین، یک سطر و به «پیوند و رابطه جمله‌ها و جمله‌واره‌ها با هم»، که تازگی داشته، هفتاد صفحه اختصاص داده است (همان، ص ۱۷۹-۲۴۷). در این کتاب، عنوان‌ها و مطالبی هست که پیش از این در دستورها نبوده است، از قبیل تقسیم‌بندی کلمات به هشت قسمت، همسانی، وابستگی، متمم قیدی، شبه‌مضاف، گروه وصفی، گروه پیوندی، حذف پیوند، تقویت پیوند، تقسیم‌بندی پیوند به شیوه‌ای تازه، صفت به واسطه، صفت بی‌واسطه، صورت‌های مشترک و ویژه، اقسام هجا و ده‌ها نکته دیگر. همچنین، در این اثر، اصطلاحات تازه‌ای مانند گروه بزرگ، پاره‌واژه، همپایگی، جمله گسترده، وابسته‌ساز و پرداز به کار رفته است. از نوآوری‌های این کتاب، طبقه‌بندی کلمه‌ها و ترکیب‌ها و جمله‌های عربی به کار رفته در فارسی با توجه به نقش صرفی و نحوی آنها در این زبان است. بنابراین، کلمه‌ها و ترکیب‌های عربی مربوط به آن نیز در هر مبحثی بررسی شده است.

صادق امین مدنی (۱۳۶۳)، در ابتدای کتاب، قبل از ورود به مبحث دستور زبان، در خصوص زبان‌های مهم جهان و تقسیم‌بندی زبان‌شناسان از زبان‌های جهان شرحی اجمالی آورده و از صرف و نحو نیز تعریف مختصری به دست داده است. اکثر تحقیقاتی که دستورنویسان ایرانی در زمینه دستور زبان فارسی انجام داده‌اند بر پایه صرف و نحو عربی صورت گرفته است، حال آنکه، به اعتقاد امین مدنی، قواعد دستوری هر زبانی را باید در ادبیات همان زبان جست و نباید از قواعد زبانی دیگر نمونه برداری کرد. او مدعی است که قواعد در این کتاب بر پایه زبان‌شناسی جدید تدوین شده است. به نظر می‌رسد که طبقه‌بندی‌های ارائه شده در این کتاب بر قواعد زبان‌شناسی جدید دقیقاً مبتنی نیست. برای مثال، در بخش صرف به مطالبی نظیر نقطه، نقطه ویرگول، ویرگول، علامت پرسش، علامت تعجب و جز آن پرداخته شده است که مناسب آن بخش نیست.

جعفر شعار و اسماعیل حاکمی (۱۳۴۸)، در اثر خود، به جمله و انواع آن پرداخته‌اند؛ در عوض، در همین اثر، پیوند و گروه‌های پیوندی مختلف، که به کمک آنها جمله‌های مرکب ساخته می‌شوند، به تفصیل بررسی شده است.

محمد جواد شریعت (۱۳۴۹)، در بخشی با عنوان «تشریح ارکان جمله» (ص ۳۰۴-۳۷۳)، تقسیم‌بندی زیر را از جمله به دست داده است: جمله‌های کامل و ناقص، جمله‌های ساده بلند ترکیبی، جمله‌های مرکب، مکمل، اسمی و فعلی، مطلق و مقید، خبری و انشایی، مستقیم و مقلوب، تعلیمی و تفسیری، مؤول.

عبدالله آریان‌فر (۱۳۴۹)، پس از مقدمه‌ای درباره دستور زبان فارسی و تعاریفی در خصوص زبان‌های زنده ایرانی و گسترش آنها و نیز دگرگونی‌های کلمات فارسی (ص ۹-۳۰)، مبحث دستوری را با جمله (ص ۳۳-۴۸) آغاز کرده است.

حسین محقّق (۱۳۵۱)، در کتاب خود، به فرایندهای آوایی چون ادغام، ابدال، قلب و تخفیف نیز توجه کرده است. در پایان کتاب هم از نقطه‌گذاری [نشانه‌گذاری] سخنی به میان آورده است.

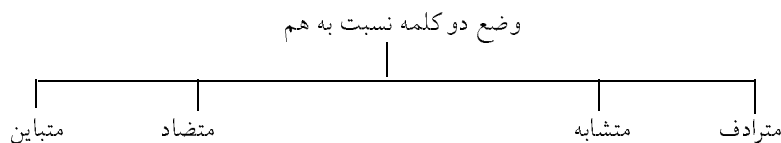
جعفر شعار (۱۳۵۵)، در بخش دوم کتاب خود، به مسائل مربوط به رسم‌الخط (ص ۲۵۰-۲۶۹) پرداخته است. البته، در این بخش، به اصول واژه‌سازی و واژه‌یابی (ص ۲۳۶-۲۵۵)، که یکی از خصوصیات متمایز این کتاب است، پرداخته شده است.

نویسنده، در این بخش، ابتدا به بررسی برخی واژه‌ها و ترکیب‌ها نظیر سرافشان، اندیشمند، نظرات، به‌خاطر پرداخته است که، به گفته او، به دلایلی چون سیر تحولی واژه، نقش آن در ترکیبات و دگرگونی معنایی، از اهمیت خاصی برخوردار شده‌اند. سپس، اصول واژه‌سازی و واژه‌یابی را مطرح و، در انتها، درباره رسم‌الخط بحث کرده و پیشنهادهایی ارائه داده است.

علی‌اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ (۱۳۵۶ و ۱۳۵۹) نخستین مبحث کتاب را به ساختمان جمله ساده، یعنی کوچک‌ترین واحد ارتباطی زبان، اختصاص داده‌اند. تفاوت این کتاب با دستورهای گذشته این است که، در این اثر، کلمات و عناصر زبان براساس نقش خود تعریف شده‌اند، حال آنکه، در کتاب‌های قبلی، تعاریف منحصرأً مبتنی بر معنی است. تفاوت دیگر در این است که، در این کتاب، زبان به‌عنوان یک دستگاه مستقل در محدوده خود آن تعریف و بررسی شده و با عالم خارج و مقولات آن آمیخته نشده است. در دستورهای سابق، زبان و عالم خارج به‌گونه‌ای جدایی‌ناپذیر در هم آمیخته‌اند؛ مثلاً، میان فاعل و نهاد (مسندالیه)، به دلیل آنکه در عالم خارج دو کار متفاوت انجام می‌دهند یا دارای دو وضع متمایزند، فرق قائل شده‌اند، حال آنکه، از نظر دستوری، میان آنها هیچ‌گونه تمایزی نمی‌توان قائل شد. در دستور صادقی و ارژنگ حتی المقدور سعی شده است که اصطلاحات فنی جدید کمتر به کار رود تا بر دشواری کتاب افزوده نشود. اصطلاحات قدیم، تا حد ممکن، حفظ شده، ولی همه از نو تعریف شده است.

بهمن محتشمی (۱۳۷۰)، در فصل سوم کتاب نحو خود، جمله‌های پیرو را، براساس انواع حرف ربط به کاررفته در آنها، طبقه‌بندی کرده است. او همچنین (ص ۳۷۷) ویژگی‌های فعل در جمله‌های پیرو را مطرح کرده است. مؤلف، در ضمیمه ۴ کتاب، درباره آهنگ گویش فارسی، تکیه، درنگ (مکث)، تکیه در کلمات و تغییرات تکیه در جمله‌های مرکب بحث کرده است. مبحث صرف عربی، در مواردی که به زبان فارسی مربوط می‌شود (ضمیمه ۱)، از دیگر ویژگی‌های بارز اثر اوست.

محمد روایی (۱۳۷۰، ص ۳۰) از مناسبات چهارگانه کلمات در کتاب خود صحبت کرده و نمودار زیر را ارائه داده است:



او کلمات را، از لحاظ شکل صوری یا نسبت آنها به هم، در این چهار گروه قرار داده است؛ حال آنکه در دستور محتشمی (۱۳۷۰)، روابط معنایی میان کلمات به سه بخش مترادف، متشابه و متضاد تقسیم شده است.

غلامرضا ارژنگ (۱۳۷۴) ساختار زبان فارسی را در چهار لایه بررسی کرده است: ۱. واژگان، ۲. گروه کلمات، ۳. جمله، ۴. جمله‌های مرکب و جمله‌های پایه. او معتقد است که، از آنجا که روش مؤلف در تألیف این کتاب با روش‌های متداول در دستورهای سنتی فرق می‌کند، دانشجویان، بدون توجه به نکات زیر، در فهم و یادگیری مطالب دچار سردرگمی خواهند شد. این نکات عبارت‌اند از:

۱. توصیف ساختار زبان. در این کتاب، ساختمان صوری زبان فارسی امروز به همان صورتی که هست، عینی و ملموس، بررسی شده است؛

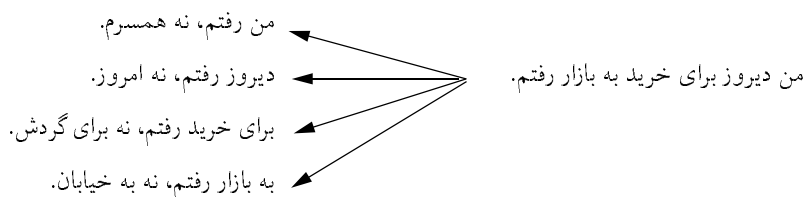
۲. نقش‌گرایی. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، در دستورهای سنتی، ابتدا درباره کلمه و ساختمان و نوع آن بحث می‌شد و، در پایان، به نحو جمله، یعنی تعیین فاعل و مفعول و مسند و مضاف‌الیه و امثال آن، پرداخته می‌شد. از آنجا که پاره‌ای از کلمات گاه به صورت اسم به کار می‌روند و گاه به صورت صفت یا قید، معمولاً میان آنچه در تجزیه کلمات، یعنی ساختمان صرفی، گفته می‌شد، با آنچه در ترکیب یعنی ساختمان نحو جمله می‌آمد، تناقض و دوگانگی ایجاد می‌گردید. مثلاً، در جمله‌ای مانند دانشمند آمد، ابتدا دانشمند صفت به‌شمار می‌آمد و، سپس، در ترکیب جمله گفته می‌شد که دانشمند جانشین اسم شده، پس در حکم اسم است. ولی، در این کتاب، بررسی هر کلمه با تعیین شدن نقش آن در جمله شروع می‌گردد و، سپس، نوع هر کلمه تعیین می‌شود؛

۳. صراحت در اصطلاحات دستوری. در این کتاب، حتی المقذور، از کاربرد اصطلاحاتی که جنبه معنایی آنها موجب توهم و اشکال شود پرهیز شده است. مثلاً، به جای فاعل و مسندالیه کلمه نهاد به کار رفته است که بیشتر جنبه اصطلاح دستوری دارد؛

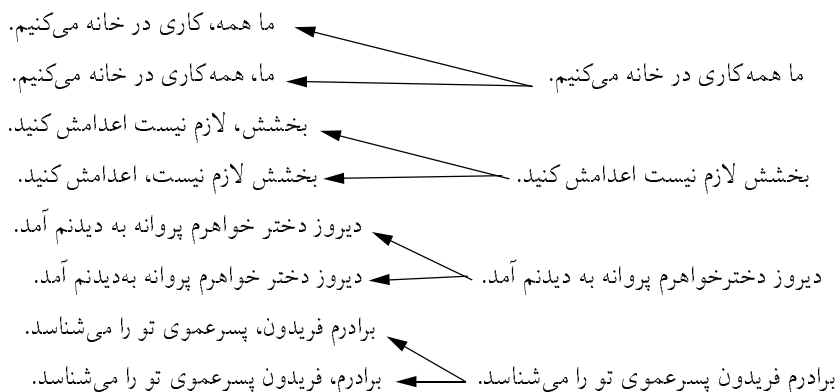
۴. کاربردی بودن و دوری بودن تعاریف. تعاریف این کتاب غالباً کاربردی و گاه دوری است و تعریف هر بخش به کمک بخش دیگر صورت می‌گیرد؛

۵. استفاده از گشتار. در پاره‌ای از موارد، برای روشن‌تر کردن مطالب، از برخی روش‌های گشتاری استفاده شده است؛ از جمله، در جمله‌های گسترش‌یافته و ارتباط درونی گروه‌های اسمی و نیز در شناخت نقش پیرو در جمله‌های مرکب:

کتاب او خواندنی است ← او کتاب دارد. آن کتاب خواندنی است.  
ضمناً، نگارنده کتاب متذکر شده است که، در زبان فارسی، تکیه و آهنگ و درنگ، به هنگام گفتار، به فهم درست مطالب کمک فراوانی می‌کند. جمله‌های پرسشی و تعجیبی با آهنگ و تکیه خاص از هم متمایز می‌شوند: چه گلی؟ چه گلی! گاهی یک جمله مشخص، به اعتبار آنکه تکیه روی کدام یک از این کلمه‌ها باشد، معنی‌های متفاوت را می‌رساند:



همچنین، در هنگام نوشتن، اگر در مراعات کردن فاصله‌گذاری میان کلمات یا گروه کلمات و نیز در مراعات کردن نشانه‌گذاری کوتاهی کنیم، خواننده دچار ابهام و سردرگمی و اشتباه خواهد شد:



بنابراین، برای جلوگیری از هرگونه ابهامی، اولاً، باید اجزای کلمات مرکب را نزدیک به هم نوشت و بین آنها فاصله نینداخت تا یکی خوانده شوند. ثانیاً، باید بین گروهی از کلمات که روی هم نقش واحدی را به عهده می‌گیرند فاصله نگذاشت تا یکی خوانده

شوند. ثالثاً، باید بین دو گروه از کلمات، که هر یک عهده‌دار نقشی جداست، فاصله بیشتری گذاشت تا مرز گروهی از هم شناخته شود و گروه‌ها جدا بمانند. رابعاً، در موارد لازم، باید جمله‌ها نشانه‌گذاری شوند تا خواننده جای درنگ و توقف را بشناسد. توجه به فاصله درون‌کلمه‌ای و میان‌کلمه‌ای و حتی میان‌گروهی، در تمایز معنایی، از مباحث خاص این کتاب است.

پرویز صالحی (بختیار) (۱۳۷۱)، در کتاب خود، درخصوص مباحثی چون صفت (ص ۶۲) و قید (ص ۸۲) ابتدا به تعریف آنها پرداخته و، سپس، از نظر ساختمان (بحث صرف) و از نظر معنا و محتوا (بحث معنایی)، آنها را به انواعی تقسیم کرده است. در مورد فعل هم، نویسنده ابتدا تعریفی از آن به دست داده، سپس، به مواردی چون بن و شناسه و شخص (مبحث صرفی)، زمان فعل (مبحث نحوی) و طرز ساخت هر یک از زمان‌ها (مبحث صرفی) اشاره کرده است.

احمد ابومحبوب (۱۳۷۵)، در کتاب خود، از ساختار زبان فارسی براساس زبان‌شناسی امروز توصیفی ارائه کرده است. در این اثر، درباره سه جنبه آواشناسی، نحو و معناشناسی بحث شده است. تفاوتی که این اثر با آثار دستوری قبلی دارد، که بر مبنای نظریه‌های زبان‌شناسی فراهم آمده‌اند، این است که، در فصل ششم آن، دستورگشتاری - زایشی مطرح شده و، در فصل دهم، نظریه‌های پس از گشتاری (نظریه گروه ساخت، نظریه حالت و نظریه میزان و مقوله) آمده است. از دیگر ویژگی‌های کتاب می‌توان به بررسی پدیده‌های قرضی زبان فارسی در فصل دوازدهم اشاره کرد. در این بخش، فهرستی از واژه‌هایی که وام گرفته شده آمده است.

خسرو فرشیدورد (۱۳۷۵) سعی کرده است تا مباحث نحوی را بررسی کند. تفاوت این دستور با دستورهای قبلی، بررسی مباحث دستوری از جنبه تاریخی هم هست، بدین معنا که گاه مطالب کتاب تا فارسی دری قدیم، احیاناً تا پهلوی و اوستا و فارسی باستان هم، دنبال شده است، مانند جمله‌های بسیط فعلی و جمله‌های بی‌فعل (همان، ص ۲۳۱-۲۴۶)؛ ولی گاه چنین نشده و به فارسی معاصر اکتفا شده است، مثل جمله‌های مرکب (ص ۲۶۹).

نگارنده کتاب، تا آنجا که ممکن بوده، زبان‌شناسی جدید و دستور قدیم را با هم تلفیق کرده است و، به گفته او، از مکتب‌های زبان‌شناسی جدید، از دو مکتب مهم

ساخت‌گرایی و تولیدی-تبدیلی بیشتر بهره‌جسته است. علاوه بر این، از آواشناسی و صرف و نحو نوین هم، که مبتنی بر زبان‌شناسی جدید است، استفاده کرده است، یعنی مباحثی مثل تکیه (ص ۶۵-۶۷)، آهنگ (ص ۶۸-۶۹)، درنگ (ص ۶۷-۶۸)، ریشه (ص ۸۲)، ماده (ص ۸۲-۸۳) و بنیاد.

از اصطلاحاتی که خسرو فرشیدورد برای مفاهیم دستوری جدید، به گفته خودش، وضع کرده است، می‌توان به سازه، سخن‌ساز، گروه، گروه بزرگ، ضمیمه (پساره‌کلمه)، معنی‌شناسی، آواشناسی، همپایگی، جمله‌گسترده، صفت اسنادی، صفت بی‌واسطه، بنیاد، فعل یاور، فعلیار، جمله‌واره، دستور تبدیلی-تولیدی و جز آن اشاره کرد. نگارنده، در این کتاب، از تعبیراتی مثل نهاد، بازبسته، گزاره، کلمه ساده و کارواژه، نام‌واژه به جای مسندالیه و خبر و کلمه بسیط و فعل و اسم استفاده نکرده است.

خسرو غلامعلی زاده (۱۳۷۷) مباحث نحوی، صرفی و آواشناسی را تحت این سه عنوان تفکیک و ارائه کرده است. نحوه تحلیل زبان فارسی در این کتاب با دستورهای قبلی فرق می‌کند. این کتاب بر بنیاد تلفیقی از دیدگاه‌های زبان‌شناسی نوین نگاشته شده است. دیدگاه نظری حاکم بر باب نخست (نحو) نظریه گشتاری است؛ اما، به دلایل آموزشی، این نظریه به گونه کامل اعمال نشده است. باب سوم (آواشناسی) بر پایه آواشناسی سنتی نگاشته شده، زیرا این نوع آواشناسی برای آموزش تولیدی آوا مناسب‌تر از آواشناسی نظام‌مند است. در باب‌های دوم و چهارم (تکواژشناسی و معناشناسی) عمدتاً مسائل نظری همراه با مثال‌هایی از زبان فارسی مطرح شده‌اند.

### ۳ جمع‌بندی

نتایج حاصل از بررسی دستورهای زبان فارسی را که به زبان انگلیسی نگاشته شده‌اند می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- دستورهای قدیمی‌تر بیشتر هدف‌های آموزشی داشته‌اند، حال آنکه هدف از تدوین دستورهای متأخر بیشتر توصیف زبان فارسی بوده است.

- در دستورهای قدیمی‌تر، شواهد به خط فارسی و همراه با اعراب‌گذاری بوده که، به دنبال آن، آوانویسی و ترجمه شواهد به زبان انگلیسی آمده است. هرچه به عصر حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، شواهد به خط فارسی و بدون اعراب بیشتر، اما همراه با آوانویسی است.

- دستورنویسانِ متقدم شواهد را عمدتاً از متون ادبی قدیم انتخاب می‌کردند؛ سپس، گرایش به انتخابِ شواهد از متون ادبی قدیم و زبان فارسی معاصر پدید آمد. از سال ۱۹۵۳ به بعد، بیشتر شواهد از زبان فارسی معاصر انتخاب شده است.
- در کتاب‌های قدیمی‌تر میانِ خط و تلفظ تمایزی دیده نمی‌شود و کتاب‌ها غالباً با مباحث مربوط به خط آغاز می‌شدند و، اگر از آواهای زبان هم صحبت به میان آمده، با توجه به ملاحظات خطی آنها بوده است. از لمبتون (Lambton 1953) به بعد، تمایز میان خط و تلفظ دیده می‌شود، هرچند این تمایز چندان دقیق نبوده است.
- در برخی از دستورها، بخشی به مباحث غیردستوری نظیر عروض و قافیه و نظایر آن اختصاص یافته است. برخی از دستورها هم مباحثی را به واحدهای پولی، مقیاس و اندازه‌گیری اختصاص داده‌اند.
- دستورنویسان در ارائه مطالب غالباً از نظم و منطق خاصی پیروی کرده‌اند، بدین معنی که از خط و صداهای زبان شروع کرده و، در انتها، به مباحث مربوط به خط پرداخته‌اند.
- دستورنویسان متقدم ابتدا مباحث صرفی را مطرح کرده و، سپس، به مباحث نحوی روی آورده‌اند. ویندفور (Windfuhr 1979) از نحو آغاز کرده است، و اکثر کتاب‌های متأخر هم مباحث نحوی را در اولویت قرار داده‌اند.
- دستورنویسانِ متقدم مقوله‌های بیشتری را در حوزهٔ نحو مورد بررسی قرار می‌دادند. ولی هرچه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم، این حوزه محدودتر شده و، در این حوزه، توجه بیشتر بر جمله و انواع آن معطوف گردیده است.
- دستورنویسانِ متقدم تنها به بررسی جمله‌های ساده اکتفا می‌کردند، حال آنکه دستورنویسانِ متأخر، علاوه بر جمله‌های ساده، به جمله‌های مرکب هم پرداخته‌اند.
- هرچه به عصر حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، در بررسی‌های دستوری توجه به گرایش‌های زبان‌شناسی جدید بیشتر مشاهده می‌شود.
- نتایج حاصل از بررسی دستورهایی را که به زبان فارسی نوشته شده‌اند می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:
- دستورهای قدیمی‌تر بیشتر برای اهداف آموزشی تدوین شده‌اند، حال آنکه

- دستورهای متأخر هدفشان بیشتر توصیف زبان فارسی بوده است.
- در اکثر دستورها، شواهد به خط فارسی و بدون استفاده از نشانه‌های سجاوندی یا علائم واج‌نویسی است. در برخی دستورها (وحیدیان کامیار)، در پاره‌ای موارد، تلفظ شاهد واج‌نویسی شده است. به‌طور کلی، سنت استفاده از واج‌نویسی چندان رایج نیست.
- دستورنویسان متقدم شواهد را بیشتر از متون منظوم و منشور قدیم اقتباس می‌کردند. برخی دستورنویسان آمیخته‌ای از متون منظوم قدیم و زبان فارسی نوشتاری را برای ارائه شواهد به کار می‌بردند. هرچه به عصر حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، دستورنویسان در ارائه شواهد بیشتر از متون نثر معاصر یا شمّ زبانی، به جای متون ادبی قدیم، استفاده می‌کنند.
- در برخی از دستورها، اساس طبقه‌بندی تمایز مقوله‌های صرفی و نحوی بوده است، حال آنکه، در برخی دیگر، طبقه‌بندی برپایه اجزای کلام (انواع کلمه) صورت گرفته است.
- تأکید بیشتر دستورهای متقدم بر صرف بوده است، حال آنکه بیشتر دستورهای متأخر بر نحو تأکید داشته‌اند. در دستورهای سنتی، از اجزای جمله و تعریف یکایک انواع کلمه آغاز می‌کردند تا سرانجام به جمله می‌رسیدند. به پیروی از این سنت دیرینه، دستورنویسان ابتدا از صرف و سپس از نحو صحبت می‌کردند. در دستورهای سنتی، ابتدا از کلمه و ساختمان و نوع آن صحبت و، در پایان، به نحو جمله پرداخته می‌شد.
- اکثر تحقیقاتی که دستورنویسان ایرانی در زمینه دستور زبان فارسی انجام داده‌اند برپایه صرف و نحو عربی است.
- در بیشتر دستورها، خلط مباحث صرفی و نحوی و معنایی دیده می‌شود، که پیش از این به آن موارد اشاره شد.
- در برخی کتاب‌ها، کلمات و عناصر براساس نقش خود تعریف شده‌اند، در صورتی که در کتاب‌های قبلی تعاریف منحصرأً مبتنی بر معنی بود.
- برخی کتاب‌های متأخر بر مبنای نظریه‌های مطرح زبان‌شناسی نگاشته شده‌اند.
- در دستورهای هر دو گروه، مباحث دستوری ابتدا با صرف و سپس با نحو آغاز می‌گردید.
- در دستورهای هر دو گروه، تأکید کتاب‌های قدیمی‌تر بیشتر بر صرف و تأکید کتاب‌های متأخر بیشتر بر نحو است.

– در دستورهای هردو گروه، خلطِ مباحثِ صرفی، نحوی و معنایی دیده می‌شود.  
– در دستورهای هردو گروه، دستورهای قدیمی‌تر بیشتر برای هدف‌های آموزشی نگاهشته می‌شدند، حال آنکه دستورهای متأخر بیشتر اهداف توصیفی داشتند.  
همان‌گونه که از مقایسه دستورهای این دو گروه دیده می‌شود، دستورهای هردو گروه، جز در دو مورد اول، در بقیه موارد تقریباً همسان‌اند.

### منابع

- آریان‌فر، عبدالله (۱۳۴۹)، گزیده دستور زبان فارسی برای استفاده دانش‌آموزان دبیرستان‌ها، دانشسراها و داوطلبان کنکور سراسری دانشگاه‌ها، مرکز نشر سپهر، تهران؛
- ابومحبوب، احمد (۱۳۷۵)، ساخت زبان فارسی، میترا، تهران؛
- احمدی‌گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۶۳ [۱۳۷۱])، دستور زبان فارسی (۱)، فاطمی، تهران؛
- (۱۳۶۷)، دستور زبان فارسی (۲)، چ ۲، فاطمی، تهران؛
- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۷۴)، دستور زبان فارسی امروز، قطره، تهران؛
- امین مدنی، صادق (۱۳۶۳)، دستور زبان فارسی، بی‌نا، تهران؛
- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸ [۱۳۷۳])، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی: بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان، امیرکبیر، تهران؛
- بصّاری، طلعت (۱۳۴۵ [۱۳۴۸])، دستور زبان فارسی، طهوری، تهران؛
- بنان، لطفعلی و همکاران (۱۳۴۵)، دستور زبان فارسی با یکصد مثال تجزیه و ترکیب، اپیکور، تهران؛
- پژوه، محمد (۱۳۴۶)، شالوده نحو زبان فارسی، طوس، تهران؛
- جعفری، امیدعلی (۱۳۶۲)، پژوهشی تازه در دستور زبان فارسی، ثقفی، اصفهان؛
- خرّم‌دل، مصطفی (۱۳۴۶)، نحو زبان فارسی برای دوره دوم دبیرستان‌ها و کنکور دانشگاه، موقفی، مهاباد؛
- خلیق رضوی، سیدمحسن (۱۳۴۱)، دانش‌افزا، چهر، تهران؛
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۴۷)، دستور زبان فارسی، چ ۶، کتاب‌فروشی تهران، تبریز؛
- دایی‌جوادی، سیدمحمدرضا (۱۳۳۴)، راهنمای دستور زبان فارسی برای همه، ثقفی، اصفهان؛
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۴۷)، دستور زبان فارسی، چ ۳، حیدری، تهران؛
- دهقان، ایرج (۱۳۴۶)، دستور زبان فارسی، قواعدی جامع و مختصر از فن درست‌گفتن و درست‌نوشتن فارسی برای دبیرستان‌ها، امیرکبیر، تهران؛
- ذوالنور، ر. (۱۳۴۳ [۱۳۴۸])، دستور پارسی: در صرف و نحو زبان فارسی، ارغنون، تهران؛
- (۱۳۵۲)، دستور مرجان، مرجان، تهران؛

- روایی، محمد (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی، ناشر: مؤلف، تهران؛
- سجادی، سید ضیاءالدین (۱۳۴۹)، دستور ساده برای درست گفتن و درست نوشتن، دانشسرای عالی، تهران؛
- شریعت، محمدجواد (۱۳۴۹)، دستور زبان فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان؛
- شعار، جعفر (۱۳۵۵)، پژوهشی در دستور فارسی، چاپخانه دانشگاه تهران؛
- شعار، جعفر و اسماعیل حاکمی (۱۳۴۸)، دستور زبان فارسی امروز: گنتارهای دستوری، امیرکبیر، تهران؛
- شفایی، احمد (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی، نوین، تهران؛
- شهبازی، علی (۱۳۶۳)، دستور زبان فارسی نوین، افشار، تهران؛
- صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارزنگ (۱۳۵۶)، دستور: سال دوم آموزش متوسطه عمومی، رشته فرهنگ و ادب، اقبال، تهران؛
- (۱۳۵۷)، دستور: سال سوم آموزش متوسطه عمومی، رشته فرهنگ و ادب، جلالی، تهران؛
- (۱۳۵۹)، دستور: سال چهارم آموزش متوسطه عمومی، رشته فرهنگ و ادب، تهران اکونومیست، تهران؛
- صالحی (بختیار)، پرویز (۱۳۷۱)، دستور زبان فارسی، هوش و ابتکار، تهران؛
- طالقانی، سید کمال (۱۳۴۶ [۱۳۴۹])، اصول دستور زبان فارسی شامل صرف و نحو، تجزیه و ترکیب، مفردات، نست، امیرکبیر و مشعل اصفهان، تهران؛
- غلامعلی زاده، خسرو (۱۳۷۴ [۱۳۷۷])، ساخت زبان فارسی، احیاء کتاب، تهران؛
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۴۸)، دستور امروز، صفی علیشاه، تهران؛
- (۱۳۷۵)، جمله و تحول آن در زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛
- قریب، عبدالعظیم و همکاران (۱۳۲۷ [۱۳۷۰])، دستور زبان فارسی (بنج استاد)، واژه، تهران؛
- محتشمی، بهمن (۱۳۷۰)، دستور کامل زبان فارسی، اشراقی، تهران؛
- محقق، حسین (۱۳۵۱)، دستور زبان فارسی، مروارید و خانه کتاب، تهران؛
- مشکور، محمدجواد (۱۳۴۲)، دستورنامه: در صرف و نحو زبان پارسی، چ ۳، شرق، تهران؛
- معین، محمد (۱۳۳۲ [۱۳۴۱])، طرح دستور زبان فارسی (۳) و (۴): اضافه، ابن سینا، تهران؛
- (۱۳۴۰)، طرح دستور زبان فارسی (۱): مفرد و جمع، چ ۲، ابن سینا، تهران؛
- معینیان، مهدی (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی، معینیان، تهران؛
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۱ [۱۳۶۹])، دستور زبان فارسی، توس، تهران؛
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۴۳)، دستور زبان عامیانه، باستان، مشهد؛ امیرکبیر، تهران؛
- وزین پور، نادر (۱۳۵۶)، دستور زبان فارسی: آموزشی، دانشگاه سپاهیان انقلاب، تهران؛
- (۱۳۷۰)، بر سمنده سخن، چ ۳، فروغی، تهران؛
- همایونفرخ، عبدالرحیم (۱۳۳۷)، دستور جامع زبان فارسی، چ ۲، علی اکبر علمی، تهران؛

- University of Michigan, Dept. of Near Eastern Studies, Unpublished;
- JONES, William (1771[1828]), *A Grammar of Persian Language*, W. and J. Richardson, London;
- LAMBTON, A.K.S. (1953), *Persian Grammar*, Cambridge University Press;
- LUMSDEN, M. (1810), *A Grammar of the Persian Language*, vol II, Calcutta University Press, Calcutta;
- MAHOOTIAN, Shahrzad (1997), *Persian*, Routledge;
- PHILLOTT, D.C. (1919), *Higher Persian Grammar*, Calcutta University Press, Calcutta;
- PLATT, John T. and George S. A. RANKING(1911), *A Grammar of the Persian Language*, Oxford, At the Clarendon Press;
- RUBINCHIK, Yu A. (1960[1971]), *The Modern Persian Language*, Nauka Publishing House, Moscow;
- THACKSTON, Wheeler M. Jr. (1978), *An Introduction to Persian*, The Soroush Press, Tehran;
- TISDALL, W. St. Clair (1956 [1967]), *Modern Persian Conversation Grammar*, Fredrick UNGAR, Publishing Co, New York;
- WINDFUHR, Gernot L. (1979), *Persian Grammar: History and State of its Study*, Mouton Publishers.

